

مالزی و افراط‌گرایی دینی

علی اکبر ضیایی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۱۵

چکیده

در حال حاضر، انواع قرائت‌های مختلف و گاه متضاد از اسلام در این سرزمین وجود دارد و مسلمانان بومی، همواره به دنبال تقویت مبانی هویت خود، به مثابه اکثریت و یا اقلیت مسلمان در جنوب شرق آسیا با تمسک به یکی از این جریان‌های فکری بوده‌اند. مردم کشورهای مالزی و اندونزی، بیش از دیگر ملل جنوب شرق آسیا به بحث و مناقشه درباره هریک از این تفکرات اسلامی می‌پردازند، اما وضعیت در تایلند و فیلیپین به گونه دیگری است، یعنی مردم این دو کشور اغلب با جریان‌سازی‌های دینی-نژادی روبه‌رو هستند و به اسلام، تنها از منظر خویشاوندی، نژادی، قومی، زبانی و در نهایت فرهنگی می‌نگرند و مسائل تئوریک شریعت، مسائل مهم و روز آنان تلقی نمی‌شود. پس از دوره سوهارتو (۱۹۹۸م) و نیز حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، افراط‌گرایان جهادی در منطقه شرق آسیا رسوخ پیدا کردند.

۱. دکتری فرهنگ و تمدن اسلامی از دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی و رایزن فرهنگی ج.ا.ایران در مالزی

فشارهای اقتصادی و مقابله با مدرنیسم مادی‌گرا و همین‌طور جریان جهانی شدن و طبیعت مصرف‌گرایی کاپیتالیسم، دخالت‌های غربی‌ها در کشورهای اسلامی و اعمال فشار و زور بر مسلمانان فلسطین، تجاوز آمریکا به افغانستان و دخالت نابه‌جا در منطقه بالکان، همگی دست‌به‌دست هم دادند و سبب شدند تا بسیاری از مسلمانان این منطقه به سمت اسلام رادیکالی و قرائت افراط‌گرایانه از دین روی آورند. تفکرات سلفی با حمایت عربستان سعودی از یک‌سو و نگرش‌های روشنفکران ملی‌گرا و لیبرال از سوی دیگر، هر دو در کنار هم پیش می‌رفتند و گاه نیز بر سر منافع مشترک میان آن‌ها نزاع و درگیری شکل می‌گرفت. واژه‌های کلیدی: مالزی، جماعت اسلامی، مجاهدین مالزی، وهابیت، افراط‌گرایی، اشعریسم.

اسلام در مالزی

مالزی در دوران ماهاتیر محمد و انور ابراهیم، شاهد درگیری بین دو حزب آمنو و پاس در تفسیر حکومت مبتنی بر آموزه‌های اسلام بود. ماهاتیر محمد، در دوران تصدی نخست‌وزیری (۱۹۸۱-۲۰۰۳)، همواره مالزی را یک دولت اسلامی معرفی می‌کرد. در دوران حکومت وی بود که طرح اسلامی کردن آموزش و پرورش و جامعه مالزی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، جزو اولویت‌های دولت قرار گرفت و از آن تاریخ تاکنون، همه نخست‌وزیران مالزی از یک هدف سخن رانده و دورنمایی اسلامی از برنامه‌های خود در کشور ترسیم کرده‌اند. عبدالله بدایوی (۲۰۰۳-۲۰۰۹)، پس از ماهاتیر محمد، «اسلام حضاری» یا تمدن اسلامی را برای مطابقت دادن دین با توسعه اقتصادی و علمی مالزی، شعار دولت خود اعلام کرد؛ اگرچه نخست‌وزیر کنونی مالزی، نجیب تون رزاق (از سال ۲۰۰۹ تاکنون)، شعار اسلامی خاصی را در دستور کار خود برای انتخاب شدن قرار نداد، اما با افزایش حساسیت‌ها میان اقوام مالایی، چینی و هندی، شعار «ساتو مالیزیا» یا «مالزی واحد» را برای جذب حداکثری اقوام مختلف در انتخابات برگزید. وی همچنین، در بسیاری از سخنرانی‌های خود، سخن از اسلام میانه‌رو به‌میان آورد و در سطح بین‌المللی، نخستین‌بار در سال ۲۰۰۲، از شعار «جنبش جهانی میانه‌روی»^۱ حمایت کرد. ماهاتیر محمد، معتقد است که دادن آزادی بیشتر به اقوام دیگر چینی و هندی، سبب ایجاد مشکلات زیادتر می‌شود و بر حساسیت‌ها می‌افزاید و با چنین سیاستی، دولت مرکزی ضعیف می‌شود و نمی‌تواند در برابر نیروهای سیاسی که طالب آزادی بیشتر و انتخابات آزاد هستند، مقاومت نماید (مارتین، ۲۰۱۲: ۶).

1. The Global Movement of Moderates

انور ابراهیم، یکی از رهبران سیاسی مالزی است که همواره خود را مدافع دموکراسی، برابری، عدالت و ایجاد نوعی تکثرگرایی دینی و قومی در مالزی معرفی می‌نماید. دیدگاه وی در مورد تکثرگرایی، بر تعالیم دینی و ارزش‌های انسانی استوار است و به نظر نمی‌رسد که برای ادیانی، چون هندویسم و بودیسم اعتباری هم‌شأن اسلام قائل باشد، بلکه بیشتر طالب هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و برخورداری از حقوق یکسان در شهروندی است. او در سال ۱۹۷۱، جنبش جوانان مسلمان، «آییم»^۱ را سازماندهی کرد.

در سال ۱۹۹۶، هنگامی که وی معاون نخست‌وزیر بود، طرحی را با عنوان «رنسانس آسیایی» و با هدف توسعه کشورهای آسیایی، براساس یک فلسفه متکامل، ارائه کرد. این فلسفه، چشم‌انداز جامعه‌ای مبتنی بر حقیقت، عشق به یادگیری، عدالت، احترام متقابل، بردباری، آزادی به همراه قبول مسئولیت و پاسخگو بودن به مردم را ترسیم می‌کرد. او معتقد بود که دین، تنها به زندگی فرد خلاصه نمی‌شود، بلکه همه شئون اجتماعی را دربرمی‌گیرد. به اعتقاد وی اسلام، مسیحیت، کنفوسیونیسیم، بودیسم و هندویسم از یک فرد آسیایی، انسان دینی می‌سازد و دین جزو هویت انسان آسیایی است (یوسف، ۲۰۱۵).

مردم کشورهای اسلامی جنوب شرق آسیا با توسعه تفکرات جهانی شدن و گلوبالیسم متأثر از فرهنگ غرب، عموماً در زندگی فردی و اجتماعی خود با چالش جدی روبه‌رو هستند. به نظر می‌رسد، میان توسعه اجتماعی عصر مدرن و باورهای دینی مردم این مناطق، شکافی ایجاد شده است و اندیشمندان مسلمان شرق آسیا به دنبال یافتن راهی برای حفظ هویت دینی، از یک طرف و توسعه علمی و اجتماعی براساس نظریه جهانی شدن از طرف دیگر هستند. البته بخش کوچکی از نخبگان و سطح میانی جامعه مالزی توانسته‌اند تا حدودی خود را با شرایط جهانی شدن و مدرنیسم هماهنگ نمایند، اما عموم مردم جامعه، همچنان به باورهای سنتی خود پای‌بند بوده و با لیبرالیسم و پلورالیسم مخالفت می‌ورزند، به‌ویژه آن‌که شخصیت‌های تأثیرگذار دینی در مالزی تا حدود زیادی تحت تأثیر افکار سلفی و اهل حدیث افراطی بوده و تنها مرجع برای ایجاد هرگونه تحولی در جامعه را، تفسیر خود از قرآن و سنت و نه عقل می‌دانند. این شکاف جدی میان مسلمانان مالزی، تأثیرات اجتماعی و سیاسی خاصی بر رویکردهای احزاب سیاسی مالزی و حتی نوع ارتباطات بین‌المللی این کشور با کشورهای اسلامی و عربی داشته است. مسلمانان، همواره به علمای دینی، به‌عنوان نقش واسط میان خلق و خالق نگریسته و این علمای دین بوده‌اند که با در نظر داشتن مصالح دینی و منابع استنباط احکام، یعنی قرآن و

1. Angkatan Belia Islam Malaysia

سنت، براساس مکتب اشعریسم، احکامی را با درنظر گرفتن نیازهای روز استنباط کرده و برای مردم تبیین نموده‌اند. گاهی هم این تعارض بین «متن» و «نیاز» و یا «شرع» و «عرف» که در فرهنگ مسلمانان اندونزی و مالزی به آن «عادت» اطلاق می‌شود- به درگیری میان علمای مدافع اعتقادات و طرفداران بومی کردن یا عرفی کردن دین منجر شده است، اما با افزایش میزان نفوذ اهل حدیث و اهل ظاهر در میان علمای شرق آسیا، کمتر شاهد نزدیکی این دو جریان و یا این دو نوع برداشت از دین بوده‌ایم (روف، ۲۰۰۹: ۹۸-۹۹).

نقیب العطاس، که مطالعات عمیقی درباره عرفان و فلسفه اسلامی داشت، درصدد ایجاد نوعی پیوند بین ایدئولوژی اسلامی مبتنی بر کتاب و سنت و اسلام مبتنی بر عرفان، فلسفه و عرف جامعه مالایی بود تا نقاط ضعف اهل حدیث را با نوعی عقل‌گرایی و به‌کارگیری لطافت عرفان، جبران نماید و به‌همین سبب به اجبار از صحنه مراودات علمی مالزی، به‌وسیله افراط‌گرایان دینی کنار گذاشته شد. شاید اگر نگرش عطاس در جامعه دینی و فرهنگی مالزی گسترش می‌یافت، هم‌اکنون شاهد رشد افراط‌گرایی و ظهور پدیده داعش در این منطقه نبودیم. عرفان و تصوّف اسلامی، در منطقه جنوب شرق آسیا که در بسیاری از مواقع تحت‌تأثیر هندویسم و بودیسم در هند بوده است- تأثیرات عمیقی بر فرهنگ دینی مردم گذاشته، حتی تفکر وحدت وجود به‌مثابه یک نوع جهان‌بینی اسلامی، میان تعدادی از علمای اندونزی و مالزی در طول قرون گذشته رواج داشته است. در کنار تفکرات عرفانی وحدت وجود، نظام دراویش و تصوّف رسمی نیز کانون توجه بوده و آثار علمی و ادبی متعددی نیز از آنان برجای مانده است. این نوع نگرش، بیش از اسلام سلفی و به قولی «اصلاح و تجدید» که تحت‌تأثیر افکار رشید رضا بوده، در سرزمین مالایی با سنن و عادات بومی و نیز ساختار فکری، اجتماعی و تاریخی سازگاری داشته است (ایتون، ۱۹۷۶: ۲۸۳-۲۸۵).

دغدغه علمای اهل حدیث و طرفداران سرسخت اشعریسم، با گرایش اهل ظاهر در محافظت از دین ناب و مبارزه با عادات شرک‌آلود که متأثر از فرهنگ بودایی و هندویی است، نیز یکی از عوامل مهم گرایش به سلفی‌گری و وهابیت در جنوب شرق آسیا است. تجلی روح در همه اجزای عالم، تحت عنوان نگرش فلسفی «آنیسم»، دارای سابقه طولانی در فرهنگ هندویسم بوده و هم‌اکنون نیز، نه‌تنها هندوها، بلکه مسلمانان و بودایی‌های مالزی نیز به‌شدت از این فرهنگ آنیسم متأثر هستند و ردّ پای این نوع تفکرات در زندگی روزمره آنان به‌وضوح دیده می‌شود (علی، ۲۰۰۸: ۶۲).

نقش عربستان سعودی در تحولات دینی و بروز افراط گرایی در مالزی

در این بخش، به ترتیب درباره تاریخچه روابط مالزی و عربستان با اشاره به آخرین تلاش‌های عربستان و مالزی، در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ برای گسترش روابط، همکاری‌های دانشگاهی با تکیه بر برگزاری همایش‌های فرهنگی و دینی، نقش شبکه‌های اجتماعی دانشجویان سعودی در ترویج وهابیت، مؤسسات و مراکز اسلامی سلفی برای ترویج وهابیت و شیعه‌ستیزی در مالزی، سرمایه‌گذاری عربستان در سیستم قضایی مالزی و تربیت قضات و انعقاد توافق‌نامه امنیتی بین دو کشور خواهیم پرداخت.

تاریخچه روابط مالزی و عربستان

مالزی و عربستان سعودی، پیش از آن‌که با چنین نام‌هایی شناخته شوند، تحت عنوان «مالایا» یا به زبان مالایی «تاناه ملایو» و «سرزمین حجاز» شناخته می‌شدند (سجارا، ۲۰۰۶). پیدایش روابط بین ملایو و حجاز، به دوران سلطنت ملاکا در سال‌های بین ۱۴۰۰ تا ۱۵۱۱ میلادی برمی‌گردد. در طول این مدت، سلطنت ملاکا و حجاز روابط گسترده‌ای در زمینه فعالیت‌های بازرگانی و دینی داشتند. نخستین ارتباطات اعراب در حوزه تجارت، از شبه جزیره ملایو شروع شد و در نهایت به انتقال پیام اسلام به این منطقه منتهی شد (الاتاس، ۲۰۱۱). در آن زمان بسیاری از بازرگانان، به‌ویژه از عمان، عدن، جدو و ایران، شهر ملاکا را به‌عنوان مرکز بازرگانی جنوب شرق آسیا و محل عرضه کالاهای خویش برمی‌گزیدند (کورتسائو، ۱۹۴۴).

از اوایل ۱۹۷۰، رهبران مالزیایی، علاقه زیادی برای ارتباط با عربستان از خود نشان داد، پس از آن تعداد زیادی از نخست‌وزیران مالزی از عربستان بازدید کردند. پس از نخستین دیدار تونکو عبدالرحمن از عربستان، وی رسماً به‌عنوان نخستین رئیس سازمان کنفرانس اسلامی انتخاب شد. جانشینان تونکو عبدالرحمن، عبدالرزاق (دومین نخست‌وزیر) و تون حسین اون (سومین نخست‌وزیر)، پس از انجام دیدارهای دیپلماتیک، در طول سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۶، کمک‌های مالی زیادی از عربستان سعودی دریافت کردند. کمک‌های عربستان، به دو شکل اساسی انجام می‌گرفت:

۱. کمک‌های سازمان‌یافته به‌وسیله صندوق توسعه عربستان^۱، برای توسعه و سازماندهی تشکیلات دینی، همچنین انجام تبلیغ دینی (دعوت) در مالزی؛
۲. کمک‌های مالی به منظور توسعه اقتصادی مالزی.



کمک‌های مالی برای تبلیغ دینی به سازمان‌ها و مؤسسات مالزیایی به‌وسیله عربستان، سبب توسعه روابط و تحکیم ارتباطات علمای مالزیایی با مفتی‌ها و مقامات بلندمرتبه دینی عربستان گشت.

این کمک‌ها، شامل حمایت عمده مالی از سازمان پرکیم^۱ و سازمان مالزیایی خیریه اسلامی، همچنین کمک برای تأسیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی IIUM در سال ۱۹۸۳ می‌شد. اولین نخست‌وزیر مالزی، انجمن پرکیم را در نقش یک سازمان دینی و خدمات اجتماعی بنیان نهاد. «تونکو» تا سال ۱۳۵۳ شمسی، مشاور و پس از آن رئیس این سازمان بود و تا سال ۱۳۶۸ این سمت را در اختیار داشت. وی توانست بخش عمده بودجه اولیه پرکیم را از طریق دریافت کمک‌های سازمان کنفرانس اسلامی، عربستان و لیبی تأمین نماید.

از کمک‌های غیرمالی عربستان، می‌توان به توزیع صدها هزار نسخه قرآن، کتاب اصول دین و خطبه‌های نماز جمعه اشاره کرد که به‌صورت مرتب برای مساجد و مؤسسات دینی مالزی ارسال می‌شد.

عربستان در سال ۱۹۸۵، به تأسیس رادیویی به نام نداءالاسلام اقدام نمود که برنامه‌های خود را از مکه به زبان مالایی پخش می‌کرد. دریافت کمک‌های اقتصادی به‌وسیله مالزی از عربستان، در طول سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ افزایش یافت. در دوره تون رزاق، نخستین وام به مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار برای توسعه طرح‌های اقتصادی مالزی، همانند دانشکده پزشکی دانشگاه مالایو، طرح ساخت‌وساز مسکونی اولو کلانتان و طرح مسکونی پهنگ تنگارا پرداخت شد.

در این سال‌ها، عربستان به گسترش نفوذ دینی خود در ایالات مختلف مالزی اقدام نمود و علاوه بر هدف قرار دادن خطبای مساجد و ائمه جماعات، به بدنه مؤسسات آموزش عالی و نهادهای اجراکننده طرح‌های اقتصادی و اجتماعی نیز راه یافت. بدین ترتیب، عربستان توانست در دوره‌های مختلف با استفاده از ابزار اقتصادی در نقاط مختلف این کشور نفوذ دینی پیدا کند و درنهایت، در جستجوی راهی برای نفوذ به پارلمان و نظام سیاسی مالزی باشد. با روی کار آمدن چهارمین نخست‌وزیر مالزی، ماهاتیر محمد (۱۹۸۱ تا ۲۰۰۳)، روابط مالزی با عربستان دچار تحولات زیادی شد. ماهاتیر محمد در اواخر دهه ۸۰، سیاست خارجی خود را بر پایه «روابط فعال» جهت ارتباط بیشتر با کشورهای اسلامی و نیز دریافت وام برای ساخت پنج بیمارستان در ایالات کداج، کلانتان و ترنگانو و درخواست ۱۳۲٫۲ میلیون رینگیت برای تکمیل فاز دوم طرح بندر پیننگ و طرح اتوبان تیمور- بلات استوار کرد و از آن به بعد بود

1. Perkim

که روابط اقتصادی مالزی با عربستان دچار تغییرات اساسی شد. مالزی در روند اجرای برنامه اقتصادی خود، وام‌های بسیاری از عربستان دریافت کرده بود. به همین علت، کشور مالزی به یکی از بدهکارترین کشورها به عربستان تبدیل شده و در نتیجه استقلال اقتصادی و سیاسی‌اش به خطر افتاده بود، تا این‌که در سال ۱۹۸۵، دولت ماهاتیر محمد برای کاهش واردات نفت از عربستان و محدود کردن بدهی‌های مالزی، به ایجاد ارتباط میان بندرهای تجاری مالزی و شرکت کشتیرانی ملی عربستان، NSCSA اقدام نمود (باری، ۲۰۱۰: ۱-۳).

ماهاتیر محمد، برای اجرایی کردن این سیاست جدید، کمیته مشترکی از شورای بازرگانی و تجارت ملی مالزی، شورای بازرگانی خاورمیانه و صنعت و کشاورزی تشکیل داد. به عبارت دیگر، ماهاتیر محمد تلاش کرد رابطه مالزی و عربستان را به شکل دیگری رقم زند تا از میزان وابستگی کشورش به کمک‌های اقتصادی عربستان بکاهد. او در جست‌وجوی راه‌های توسعه همکاری‌های اقتصادی دوجانبه برای تقویت روابط اقتصادی میان دو کشور بود و اتخاذ این سیاست، راه را برای همکاری‌های بعدی مالزی با عربستان در حوزه‌های دینی هموار کرد.

با گسترش طرح‌های اقتصادی دوجانبه، قرارداد امنیتی بین دو کشور نیز به امضا رسید. نخستین دیدار نجیب تون رزاق از عربستان در سال ۲۰۱۰، زمینه را برای امضای تفاهم‌نامه همکاری‌های امنیتی در آوریل ۲۰۱۱ فراهم ساخت. براساس گزارش وزیر کشور سابق، داتوک سری هشام‌الدین تون حسین، هدف اصلی از امضای این توافق‌نامه، مقابله با موضوعاتی، چون تروریسم، انتقال و قاچاق مواد مخدر، جعل مدارک و فعالیت‌های تروریستی است (مالاسیا، ۲۰۱۰).

تعاملات اقتصادی و در ادامه آن انعقاد تفاهم‌نامه امنیتی بین عربستان و مالزی، سبب شد تا همکاری‌های دینی بین دو کشور، به عنوان سنگ‌بنای روابط دیرینه، پررنگ‌تر از سابق شده و توسعه یابد. برخلاف اختلاف دیدگاه وهابی مورد حمایت عربستان و نگاه سنتی شافعی در مالزی، مشاهده می‌شود که همچنان همکاری‌های دینی بین دو کشور در حال توسعه و گسترش است. یادآور می‌شود که به آثار حرکت‌های تبلیغی وهابیت و موضع دولت مالزی در قبال این جریان تکفیری نگاه مختصری داشته باشیم (همان، ۲۰۱۳).

مبلغان وهابیت که مهم‌ترین دستاورد دینی عربستان در سده‌های اخیر تلقی می‌شود، از قرن هجدهم میلادی همه مسلمانان را به دو اصل قرآن و سنت با تعبیر خاص حنابله سلفی فرامی‌خواندند. مخالفت با بدعت و دفاع از سنت پیامبر اکرم (ص) و صحابه، جزو اساسی‌ترین مؤلفه‌های تبلیغی وهابی‌ها است و البته وهابیون همواره مخالفان خود را به بدعت‌گذاری در دین و کفر و شرک متهم می‌کنند. از آن سو نیز در طول تاریخ، بسیاری از علمای شافعی،

همچون برادر محمدبن عبدالوهاب، آثاری در رد وهابیت نگاشته‌اند. برخی از جریان‌های دینی مالزی، به شدت تحت تأثیر تعالیم مبلغان وهابی مورد حمایت عربستان قرار دارند که از آن‌ها می‌توان «جریان اهل سنت» پرلیس، «حرکت سنت» شهر جوهور، «اورنگ سنت» شهر پهنگ، «اتباع السنه» یا پیروان سنت از نگری سیمیلان و «اسلام جماعت» از سلانگور را نام برد. اگرچه این گروه‌های دینی و سازمان‌های مالزیایی تحت الشعاع وهابیت قرار دارند، اما شاید به سختی بتوان مدارک قطعی مبنی بر تغذیه مالی آنان از طرف عربستان پیدا کرد. جالب است بدانیم که هیچ‌یک از این جریان‌های سلفی، خود را به مذاهب چهارگانه اهل سنت منتسب نمی‌دانند. این امر، بیانگر نوع نگرش سلفی جریانات حاکم بر این حرکت‌های دینی است و از آن رو که وهابیت در طول تاریخ، سابقه درخشانی نداشته است هیچ‌یک از رهبران مالزیایی این جریان‌ها، علاقه‌ای برای به‌کارگیری اصطلاح وهابیت در تبیین و معرفی حرکت دینی خود ندارند و از این کار خودداری می‌کنند، اما در هر حال، به علت وجود مشابهت‌های فراوان اعتقادی و نیز برخوردهای افراط‌گرایانه با مذاهب دیگر اهل سنت و شیعیان، می‌توان این جریانات را در صف جریان وهابیت قرار داد. وجه اشتراک وهابیت و این جریانات اسلامی مالزیایی، استفاده از واژه‌های «علمای سلف»، «سنت» و «مبارزه با خرافات و بدعت‌ها»، به‌ویژه در عبادات است.

همکاری‌های دانشگاهی با تکیه بر برگزاری سمینارهای فرهنگی و دینی

سفیر عربستان در مالزی، فهدبن عبدالله الرشید، در مصاحبه‌ای با روزنامه عکاظ اعلام کرد که قرارداد همکاری‌های دانشگاهی، بین عربستان و مالزی به امضا رسیده است و در حال حاضر نیز بیش از ۱۰۰۰ دانشجو از کشورش، در مالزی به تحصیل اشتغال دارند. وی علت انتخاب مالزی برای تحصیل دانشجویان عربستانی را، اسلامی بودن این کشور دانست. این بدان معنی است که سعودی‌ها، مالزی را به‌عنوان یکی از مراکز مهم تبادلات علمی و تحصیلی جوانان خود ارزیابی کرده‌اند و از نظر آن‌ها، شرایط فرهنگی و فکری مالزی به گونه‌ای است که جوانان سعودی به راحتی می‌توانند در آنجا به خواسته‌های علمی و فکری خود دست یابند. بدیهی است، چنین شرایطی برای تحصیل هزاران دانشجوی عربستانی، در دیگر کشورهای اسلامی مهیا نیست و دولت عربستان برای تأمین شرایط فرهنگی و دینی مورد نظر خود برای اتباعش، باید تدارکاتی فراهم نماید و برای انجام این امر مهم، لازم است به تأسیس انجمن‌های فعال دانشجویی با هدف ساماندهی فکری و فرهنگی دانشجویان خود از یک طرف و تأثیرگذاری بر

جامعه فکری میزبان از طرف دیگر، اقدام نماید. یکی از زمینه‌های اصلی ترویج وهابیت و به تبع آن شیعه‌هراسی در مالزی، فعالیت‌های «الجامعه الاسلامیه مدینه» و ارتباطات این دانشگاه با شخصیت‌های بانفوذ و مراکز علمی مالزی است. دکتر «عبدالرحمن بن عبدالله السند» رئیس دانشگاه مذکور، که در آخر ماه دسامبر ۲۰۱۳، میزبان هیأت بلندپایه دینی و علمی مالزی شامل وزیر شئون اسلامی و تربیتی و تبلیغی ولایت کلانتان، مدیر کل مؤسسه اسلامی کلانتان، رئیس دانشکده سلطان اسماعیل فترا اسلامی و معاون مؤسسه اسلامی کلانتان بوده، در مذاکره با این هیأت اظهار داشته است که مالزی همچون عربستان، بر اصول خود (آموزه‌های دینی) پای می‌افزود و جزو یکی از کشورهای متمدن جهان است. وی در این ملاقات گفت که ملک عبدالله بن عبدالعزیز پادشاه عربستان، امیر سلمان بن عبدالعزیز ولیعهد^۱، مقرن بن عبدالعزیز نایب رئیس مجلس وزیران و خالد بن محمد العنقری وزیر آموزش عالی عربستان، تعداد زیادی از دانشجویان مالزیایی را به صورت کامل بورسیه کرده‌اند تا همگی تحت عنایات «پادشاه عربستان» به تحصیل بپردازند (الشرق، ۲۰۱۳).

دولت عربستان برای سرپوش گذاشتن بر حرکت‌های تکفیری وهابیت در سطح جهان، به برگزاری کنفرانس‌هایی اقدام می‌نماید که بیشتر رنگ و بوی انعکاس گفت‌وگوهای بین ادیان، تسامح و اعتدال‌گرایی (وسطیه) دارند. کنفرانس «نقش خادم‌الحریمین در گفت‌وگوی بین ادیان و تمدن‌ها» در تاریخ ۲۰۱۲/۱۰/۴، به وسیله «الجامعه الاسلامیه مدینه» و با همکاری دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی برگزار شد. در این کنفرانس، گزارشی از سخنرانی‌های ملک عبدالله بن عبدالعزیز و تلاش‌های عربستان برای گفت‌وگوی تمدن‌ها در سنوات گذشته ارائه شد؛ سپس محمد بن علی العقلا، رئیس جامعه الاسلامیه مدینه اظهار داشت که برگزاری این کنفرانس، با هدف اجرای توافقات به عمل آمده بین دانشگاه وی و دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی بوده است (سلکتید نیوز، ۲۰۱۴).

همکاری‌های دینی و فرهنگی عربستان با تشکیل دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی ابعاد گسترده‌تری یافته، به گونه‌ای که دانشگاه مذکور همه‌ساله محل برگزاری سمینارهای بین‌المللی گوناگون با همکاری «الرابطه العالم الاسلامیه عربستان» و «مرکز بین‌المللی ملک عبدالله بن عبدالعزیز» شده است. یکی از ابزارهای ترویج وهابیت در مالزی، تشکیل کارگروه‌های آموزش زبان عربی، به وسیله مؤسسات و مراکز مالزیایی با حمایت عربستان سعودی است.

«الرابطه العالم الاسلامیه عربستان» و مؤسسات تحت پوشش آن، چون «هیئة الاغاثة الاسلامیه»

۱. در حال حاضر با درگذشت ملک عبدالله بن عبدالعزیز، ملک سلمان بن عبدالعزیز پادشاه عربستان است (ویراستار).

به ریاست عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، نقش مهمی در بخش تبلیغی وهابیت ایفا می‌نماید (رابطه، ۲۰۱۵). این سازمان در سال ۲۰۱۰، کنفرانس اقلیت‌های اسلامی را در مالزی با همکاری دانشگاه بین‌المللی اسلامی برگزار کرد و رئیس این سازمان در مصاحبه با روزنامه‌های عربستان اظهار داشت که «الرابطه»، برنامه‌های مستمری برای جلب مشارکت هیات‌ها و سازمان‌های اسلامی در جهان، همچنین در مالزی- تدارک دیده است. کارگروه مشترک عربستان و مالزی که در تاریخ ۲۰۱۳/۹/۲۷ تشکیل شد، برای برگزاری کنفرانس بین‌المللی «اعتدال در قرآن و سنت و تطبیق معاصر آن در عربستان و مالزی» با تأکید بر درک صحیح از «سلف صالح» و رجوع به قرآن و سنت، از ملک عبدالله بن عبدالعزیز و ولیعهد سلمان بن عبدالعزیز آل سعود^۱ می‌خواهد تا از این کنفرانس و بیانیه‌های آن حمایت کنند. در پی آن و برای اجرایی کردن این برنامه، نایب دوم مجلس وزرای عربستان، مقرن بن عبدالعزیز، به مالزی اعزام و سه جلسه کاری برای اجرایی کردن این کنفرانس با مقتضیات مالزیایی، برگزار شد. بررسی ابعاد این کنفرانس نشان می‌دهد که اهداف برگزارکنندگان آن بسیار فراتر از برگزاری یک کنفرانس عادی بوده و آنان، درصدد تشکیل سازمانی تحت حمایت عربستان برای اجرایی کردن اهداف تبلیغی آن کشور در مالزی بوده‌اند.

نقش شبکه‌های اجتماعی دانشجویان سعودی در ترویج وهابیت

یکی از مهم‌ترین شبکه‌های فعال عربستان در مالزی، انجمن دانشجویان عربستان در کوالالامپور است که چون حلقه اتصال سازمان‌های تبلیغی عربستان و مردم مالزی فعالیت می‌کند. مؤسسات خیریه عربستان با شعار «ما همه برادران شما هستیم» و با حمایت سفیر عربستان، فهد بن عبدالله الرشید، در ماه رمضان سال جاری به حمایت از دارالایتام‌های مالزی برخاستند. این انجمن دانشجویی، همچنین میزبان شیخ عبدالرحمن بن عبدالعزیز السدیس، از وهابیان سرشناس عربستان و امام جماعت مکه بوده است. شیخ عبدالرحمن سدیس، به داشتن مواضع ضدشیعی در جهان شهرت دارد و هدف از دعوت وی به مالزی، حمایت از جریان‌های وهابی و اعمال فشار به دولت این کشور برای تشدید اقدامات امنیتی علیه شیعیان مالزی برآورد شده است.

مراکز اسلامی سلفی برای ترویج وهابیت و شیعه‌ستیزی در مالزی

«هیئته الاغاثة الاسلامیه» وابسته به «رابطة العالم الاسلامی» عربستان، در مالزی شعبه فعال

۱. رجوع شود به پانوشت صفحه قبل (ویراستار)

دارد و به صورت علنی و در انظار عموم به برگزاری مراسم دینی اقدام می‌نماید. از دیگر مراکز فعال تبلیغ وهابیت، «دانشگاه بین‌المللی المدینه» در شاه علم مالزی است. ریاست این دانشگاه را محمدبن خلیفه بن علی تمیمی برعهده دارد. وی از شارحان کتاب العقیده الواسطیه اثر ابن تیمیه است و سلسله دروس وی در تبیین دیدگاه‌های ابن تیمیه، در شهر شاه علم مالزی به صورت آزاد منتشر شده و هیچ‌گونه ممانعتی از طرف دولت مالزی برای انتشار این مباحث به عمل نیامده است. این دانشگاه عربستان، در سال ۲۰۰۷، از وزارت آموزش عالی مالزی مجوز فعالیت دریافت کرده و به عنوان یک دانشگاه خصوصی غیرانتفاعی به ثبت رسیده است. نگاهی کوتاه به سوابق علمی اعضای این دانشکده می‌تواند گرایش‌های وهابی و ضدشیعی آنان را آشکار سازد.

سرمایه‌گذاری عربستان در سیستم قضایی مالزی و تربیت قضات

قاضی القضاة منطقه ترنگانوی مالزی، درخواستی را برای رئیس دانشگاه ملک محمدبن سعود ارسال می‌کند و از وی می‌خواهد تا موافقت نماید که قضات مالزیایی دوره‌های علمی خود را در آن دانشگاه سپری کنند.

ابا الخلیل، رئیس آن دانشگاه، درخواست قاضی القضاة ترنگانو را برای ملک عبدالله بن عبدالعزیز آل سعود می‌فرستد و پادشاه وقت عربستان با خوشحالی تمام موافقت می‌کند. در ابتدای سال ۲۰۱۳، چهل نفر از قضات مالزیایی دوره‌های قضایی را در دانشگاه مذکور می‌گذرانند و بنا به گفته شیخ داتو حاج اسماعیل بن یحیی، قاضی القضاة و رئیس دادگاه‌های دینی ترنگانو مقرر می‌شود تعداد بیشتری از قضات کشور مالزی برای گذراندن آموزش‌های دینی و تخصصی به عربستان اعزام شوند. آموزش قضات شافعی به وسیله قاضی‌های وهابی، نتیجه‌ای جز فشارهای قضایی بر شیعیان مالزی نداشته است، زیرا جرم «شیعه بودن»، تنها در محاکم دینی مالزی رسیدگی می‌شود و دیگر ارکان قضایی مالزی در امور دینی دخالت نمی‌کنند.

انعقاد توافق‌نامه امنیتی بین دو کشور

بدیهی است، پس از این تلاش‌های دولت عربستان برای ترویج وهابیت در مالزی و سکوت معنی‌دار مقامات مالزیایی، نوبت به انعقاد قراردادهای امنیتی بین دو کشور برای مبارزه با تروریسم، به تعریفی می‌رسد که دو کشور از آن دارند. در ۱۸ آوریل ۲۰۱۱، عربستان و مالزی یک توافق‌نامه امنیتی و اطلاعاتی برای مبارزه با تروریسم، قاچاق مواد مخدر و

گروه‌های جنایتکار به امضا رساندند. مبارزه با جرایمی، چون تروریسم بین‌المللی، تغذیه مالی و سازماندهی جریان‌های تروریستی، مواد مخدر، پول‌شویی، قاچاق سلاح، تجارت غیرقانونی، جرایم اقتصادی، تقلب پولی و جرایم اطلاعاتی جزو مفاد این توافق‌نامه بودند. وزیر کشور مالزی، هشام‌الدین، این توافق‌نامه را نشانگر تصمیم دو کشور برای مبارزه با تروریسم معرفی کرده است. در این توافق‌نامه، طرفین بر همکاری‌های امنیتی و تبادل تجربیات در این زمینه و نیز آموزش کادرهای ویژه تأکید کرده‌اند. برخی از تحلیل‌گران مالزیایی معتقد هستند که چون فعالیت گروه‌های افراطی دینی در این کشور، به سبب کم‌کاری در حوزه امنیتی مالزی در سال‌های پیش از سال ۲۰۰۱ افزایش یافته است، دولت این کشور، با انعقاد این توافق‌نامه تلاش دارد تا با همکاری عربستان بر این فعالیت‌ها نظارت نماید.

مالزی سکوی پرش عربستان برای رسیدن به جنوب شرق آسیا

سازمان‌های تبلیغی مالزی با دریافت کمک‌های مادی و معنوی از «رابطه العالم الاسلامی» و «دانشگاه المدینه المنوره» و دیگر مؤسسات وهابی فعال در قطر و کویت، همواره درصدد ترویج اسلام با قرائت سلفی در ویتنام، کامبوج، جنوب فیلیپین و جنوب تایلند بوده‌اند. فیلیپ تیلور، گزارش مفصلی از نوع تأثیرگذاری مبلغان مالزیایی در میان مسلمانان حاشیه دلتای مکونگ و اقوام مسلمان چام در ویتنام و غرب کامبوج ارائه کرده است (تیلور: ۴۵-۵۴). گوردون مینز هم معتقد است که گرایش عموم مسلمانان مالایی به اسلام سیاسی، لغو روادید برای بسیاری از خارجی‌ان، وجود زمینه‌های مناسب برای ارتباطات گسترده و نیز حضور شبکه‌های بانکی و اقتصادی وابسته به جریان‌های افراط‌گرا، زمینه را برای توسعه تحرکات القاعده و جریان‌های افراطی تحت نفوذ عربستان از مالزی به دیگر کشورهای جنوب شرق آسیا فراهم آورده است (مینز، ۲۰۰۹: ۱۷۹-۱۸۱).

جماعت اسلامی در جنوب شرق آسیا

اگرچه تا به حال آثار بسیاری در مورد «جماعت اسلامی»^۱ به رشته تحریر درآمده، اما در هیچ اثری، منشأ دقیق این گروه توصیف نشده است. با توجه به این‌که «جماعت اسلامی» مالزی تحت تأثیر «جماعت اسلامی» اندونزی بوده و رهبران آن از مالزی به‌عنوان پایگاه خود استفاده می‌کرده‌اند، لازم است با تفصیل بیشتری به شرح گذشته و اعتقادات این جماعت

1. JI

بپردازیم. برخی چون گرگ بارتون معتقدند که این گروه از «دارالاسلام»^۱ نشأت گرفته و یک جنبش شورشی جدایی طلب است که در سال ۱۹۴۸ در اندونزی، به وسیله سوکارماجی ماریجان کارتوسوویرجو^۲ سازمان یافته و رؤیای ایجاد یک دولت اسلامی در مجمع الجزایر (NII) را در سر داشته است (بارتون، ۲۰۰۵: ۵).

شکست «دارالاسلام» در سال ۱۹۶۲ از ارتش اندونزی که با اجرای عملیات ضدشورش علیه این گروه صورت گرفت، باعث شد تا اعضای باقی مانده این جماعت، به استفاده از مدارس اسلامی متعدد برای اختفا وادار گردند. در سال ۱۹۷۲، دو تن از رهبران «دارالاسلام»، عبدالله سونگار^۳ و ابوبکر بشیر، مدرسه شبانه روزی اسلامی را^۴ در سولو^۵، جاوه مرکزی تأسیس کردند. بعدها، سونگار و بشیر، به عنوان بنیانگذاران کلیدی جماعت اسلامی شناخته شده و سازمان های اطلاعاتی اندونزی، آن ها را به برقراری ارتباط با القاعده، از سوی جماعت اسلامی متهم کردند (سینگ، ۲۰۰۷: ۵۱)، اما برخی از محققان هم از «دارالاسلام» و «شبکه نگرولی» به عنوان پیشگامان جماعت اسلامی یاد می کنند (International Crisis Group, ۲۰۰۳).

گفته می شود، «جماعت اسلامی»، تجدید روح «دارالاسلام»، پس از به وقوع پیوستن حادثه تروریستی یازده سپتامبر، به وسیله «القاعده» است. براساس یکی از پژوهش ها، سونگار و بشیر، در سال های ۱۹۹۳-۱۹۹۴ سازمان جماعت اسلامی را بنیان نهاده اند (کالک و انگر، ۲۰۰۸: ۸)، اما در پژوهش دیگری چنین آمده که این سازمان در سال ۱۹۹۶ تأسیس شده است (حسن، ۲۰۰۹: ۱۲۸).

ایدئولوژی «جماعت اسلامی»، بر پایه باورهای اسلام وهابی و سلفی استوار است که به مفهوم دولت اسلامی و اجرای شریعت اعتقاد دارد. «جماعت اسلامی» با تکیه بر ایدئولوژی وهابی/سلفی، در صدد ایجاد یک دولت اسلامی مجمع الجزیره ای در آسیای جنوب شرقی با نام دولت اسلامی نوسانتراست^۶ که چهار منطقه جماعت اسلامی را به همدیگر متصل می کند. برخی، دولت اسلامی نوسانترا را به عنوان تحقق رویای «جماعت اسلامی» در ایجاد خلافت اسلامی در جنوب شرقی آسیا تعبیر می کنند (رسا، ۲۰۱۱: ۱۲۴-۱۴۴).

1. Darul Islam
2. Sekarmadji Maridjan Kartosuwirjo
3. Abdullah Sungkar
4. Pesantren al-Mu'min
5. Solo
6. Daulah Islamiyah Nusantara

عبدالله سونگار، ابوبکر بشیر، حمبلی، ابوجبرئیل، مخلص^۱، دولمتین^۲، عمر پاتک^۳، ذوالقرنین و دوجانا، نظریه‌پردازان شناخته شده و کلیدی جماعت اسلامی است (همان: ۷۶).

گروه مجاهدین مالزی و فیلیپین

این گروه که به نام KMM^۴ شناخته می‌شود، یک گروه جهادی شبیه به جماعت اسلامی مالزی است. این تشکل افراط‌گرا در سال ۱۹۹۵، به وسیله گروهی از رهبران جهادی، به نام حلقه پاکیندو^۵ متشکل از اعضای انجمن فارغ‌التحصیلان پاکستان، هند و اندونزی - ماساپاکیندو^۶ و با حمایت‌های حزب اسلامی پاس در مالزی تأسیس شد. یکی از اهداف بنیادین گروه مجاهدین مالزی را می‌توان ایجاد حرکتی اصلاحی در میان مسلمانان مالزی و تبعیت از اسلام ناب، در جهت محافظت و دفاع از حزب پاس و تبلیغ این حزب دانست، اگرچه رهبران بعدی پاس از این جریان اطلاع نداشته و یا با آن مخالفت کرده‌اند. یکی دیگر از اهداف بلندمدت این تشکل جهادی، تطبیق شریعت و ایجاد حکومت اسلامی در مالزی اعلام شده است. این جریان افراط‌گرا که با هدف ایجاد دولت اسلامی در مالزی، اندونزی، جنوب فیلیپین و جنوب تایلند شکل گرفته، علاقه‌ای به پیوستن به رابطه‌ی المجاهدین مالزی از خود نشان نداده است (عبداله، ۲۰۰۵: ۴۰-۴۱).

نتیجه‌گیری

با افزایش دخالت‌های آمریکا در خاورمیانه و ایجاد روح نفرت از استکبار، شکل و ماهیت جنبش‌های اسلامی از حد اعتدال خارج شد و به سمت افراط‌گرایی تمایل پیدا کرد و گروه‌های افراط‌گرا که زمانی به عنوان ابزار سیاسی و نظامی در دست عربستان و آمریکا و متحدان آن‌ها برای مبارزه با کمونیسم در افغانستان و چین و بالکان و کمک به گسترش نفوذ غرب در خاورمیانه به کار گرفته می‌شدند، به جریان‌های تروریستی تغییر ماهیت دادند و منافع غرب و آمریکا در خاورمیانه را هدف گرفتند. رهبران «جماعت اسلامی» و «مجاهدین مالزی» و حرکت‌های سلفی/ وهابی تحت نفوذ عربستان، از افغانستان و عراق و سوریه به سمت جنوب

1. Mukhlas

2. Dulmatin

3. Omar Patek

4. Kumpulan Mujahidin Malaysia

5. Halaqah Pakindo

6. Masapakindo

شرق آسیا، به‌ویژه مالزی و اندونزی تغییر جهت دادند تا بتوانند از توان مالی و ارتباطات اقتصادی و علمی بزرگ‌ترین جامعه مسلمانان جهان، یعنی اقوام ملایو-پلینیزی، برای ایجاد دولت اسلامی در جنوب شرق آسیا بهره بگیرند و به دلایلی که در متن به آن‌ها اشاره شد، مالزی به مهم‌ترین پایگاه عربستان برای ایجاد سرپل ارتباطی نفوذ به مناطق شمالی این کشور، یعنی کامبوج، ویتنام، لائوس، جنوب تایلند و جنوب فیلیپین و اندونزی تبدیل شد.

مطالعات آینده: بررسی وضعیت اقوام چام در ویتنام و کامبوج و نیز بررسی دقیق تبلیغات گسترده مالزی با کمک «رابطه العالم الاسلامی» عربستان در این کشورها و جنوب فیلیپین و تایلند، می‌تواند اطلاعات مفیدی درباره میزان نفوذ حرکت‌های افراط‌گرایانه دینی در جنوب شرق آسیا ارائه نماید.

منابع عربی

انطلاق ندوه مبادره خادم الحرمين للحوار بين أتباع الديانات والحضارات في ماليزي

http://selectednews2.blogspot.com_04_10_2012/archive.html

رابطه العالم الاسلامی <http://www.themwl.org>

مدیر الجامعه الإسلاميه يستقبل وفداً من ولاية كلنتان الماليزيه <http://www.alsharq.net.sa/lite-957735=post?id>

<http://www.okaz.com.sa/new/mobile/20121229/Con20121229559896>.

منابع انگلیسی

- Abdullah, Kamarulnizam (2005). 'Understanding and Responding to the Threats of Muslim Militant Groups in Malaysia.' In Kamarulzaman Askandar, ed. *Understanding and Managing Militant Movements in Southeast Asia*. Penang, Malaysia: The Southeast Asian Conflict Studies Network.

- Abuza, Zachary (4 April 2006). "Abu Dujana: Jemaah Islamiyah's New al-Qaeda Linked Leader", *Terrorism Focus*, vol., 3, Issue 13.

- Al-Attas, Syed Muhammad Naquib (2011), *Historical Fact and Fiction*, Johor Bahru: Universiti Teknologi Malaysia Press.

- Ali, Syed Husin (2008). *The Malays: Their Problems and Future*, Kuala Lumpur: The Other Press.

- Azzam, Shaikh Abdullah, "Defense of the Muslim Lands" at http://www.religioscope.com/info/doc/jihad/azzam_defence_1_table.htm <accessed on 15 May 2015>.

- Bakker, Edwin and Leen Boer (29 March 2007). *The Evolution of Al-Qaedaism: Ideology, Terrorists and Appeal* (Amsterdam: Netherlands Institute of International Relations).

- Balana, Cynthia D. (2007) 'US Offers \$5M for Terror Suspect in RP Bombings.' Philippine Daily Inquirer (Manila).
- Banlaoi, Rommel C. (2004) War on Terrorism in Southeast Asia, Manila: yuchengco Center.
- Barton, Greg (2005). Jemaah Islamiyah: Radical Islamism in Indonesia, Singapore: Singapore University Press.
- Chalk Peter, and Carl Ungerer (2008). Neighborhood Watch: Evolving Terrorist Threats in Southeast Asia, Canberra: Australian Strategic Policy Institute.
- Cortesao, Armando (1944). The Suma Oriental of Tome Pires: An Account of the East, From the Red Sea to Japan, written in Malacca and India in 1512-1515. Vol. II, Series II, London: The Hakluyt Society.
- Eaton, Richard M. (1976). The Sufis of Bijapur 1300-1700: Social roles of Sufis in medieval India, Princeton: Princeton University Press.
- Hasan, Noorhaidi (2009). "Transnational Islam in Indonesia in: Transnational Islam in South and Southeast Asia: Movements, Networks, and Conflict Dynamics, edited by Peter Mandaville, [et al.] Seattle, Washington: The National Bureau of Asian Research.
- Gordon P. Means (2009). Political Islam in Southeast Asia, Kuala Lumpur: SIRD.
- Idris, Asmady (Jun 18, 2013). "Malaysia-Saudi Arabia Relations: Roots, Dimensions, and Prospects" International Relations Programme, School of Social Sciences,- Universiti Malaysia Sabah: http://www.mei.edu/content/malaysia-saudi-arabia-relations-roots-dimensions-and-prospects#_ftn12.
- International Crisis Group (2003). Al-Qaeda in Southeast Asia: The Case of "Ngruki Network" in Indonesia, Jakarta and Brussels: International Crisis Group.
- International Crisis Group (2003). Jemaah Islamiyah in South East Asia: Damaged but Still Dangerous, <http://www.crisisgroup.org/en/regions/asia/south-east-asia/indonesia/063-jemaah-islamiyah-in-south-east-asia-damaged-but-still-dangerous.aspx>.
- "Malaysia, Saudi Arabia in Security Pact (2010)," The Star (January 8, 2010), <http://thestar.com.my/news/story.aspx?file=/2010/1/8/nation/20100108202857&sec=nation>, "Strong Saudi-Malaysian Ties Key to Growth," Arab News (August 30, 2010), <http://www.arabnews.com/node/353986>, "Malaysia, Saudi Arabia Cooperate in Security," Vietnamplus (April 20, 2011), <http://en.vietnamplus.vn/Home/Malaysia-Saudi-Arabia-cooperate-in-security/20114/17689.vnplus>
- Martin, Dan (2012). "Reform will 'lift the lid on ethnic tension.'" Bangkok Post, 18 June 2012.
- Ministry of Home Affairs (2003). The Jemaah Islamiyah Arrests and the Threat of Terrorism, Singapore.

- National Counter Terrorism Action Group (December 2008). "Present JI Structures and Activities" Briefing Manuscript, https://www.academia.edu/1833307/Counter_Terrorism_Measures_in_Southeast_Asia_How_Effective_Are_They_by_Rommel_Banlaoi.
- Pereira, Brendan (2001). 'Origins of Muslim Radicalism in Malaysia.' The Straits Times, Singapore.
- Pavlova, Elena (2007). "Jemaah Islamiah According to PUPJI", in Tan, Handbook of Terrorism and Insurgency in Southeast Asia, ed. by Andrew T.H. Tan, Edward Elgar Publishing.
- Roff, William R. (2009). Studies on Islam and Society in Southeast Asia, Singapore: Nus Press.
- Ressa, Maria (2011). Seeds of Terror: An Eyewitness Account of Al-Qaeda's Newest Center of Operations in Southeast Asia, Free Press.
- Sejarah Perjuangan Melayu Patani (2006), Cetakan Kedua, Bangi: Penerbit UKM.
- Singh, Bilveer (2007). The Talibanization of Southeast Asia: losing the war on terror to Islamist extremists, Westport, Conn.: Praeger Security International.
- Taylor, Philip (2007). Cham Muslims of the Mekong Delta, Singapore: NUS.
- Yusuf, Imtiyaz, "The Middle East and Muslim Southeast Asia: Implications of the Arab Spring," in: http://www.oxfordislamicstudies.com/Public/focus/essay1009_southeast_asia.html, <accessed on 13/5/2015>.
- Wain, Barry (2010). Malaysian Maverick: Mahathir Mohamad in Turbulent Times. Palgrave Macmillan.